



ضرورت تغییر زراعت عنعنوی به زراعت عصری

پوهنار سیدجلیل هاشمی

دیارتمنت اقتصاد و توسعه‌ی زراعتی، پوهنځی زراعت، پوهنتون بامیان، بامیان، افغانستان

ایمیل: Jalilhashimi802@gmail.com

چکیده

مشخص کردن مکانیزم‌های تغییر زراعت عنعنوی به زراعت عصری اولین فعالیت تغییر زراعت است. چون تغییر زراعت عنعنوی به زراعت عصری یکی از نیازهای مهم کشور محسوب می‌شود اما با تسلط زراعت عنعنوی کشت و پرورش با وسایل ساده و ابتدایی، کمبود آب، آبیاری، عدم دسترسی به کREDIT، ارائه کم‌تر خدمات تحقیق، ترویج حفاظه نباتات و حیوانات، عدم استفاده وسیع از تکنالوژی معاصر مولدین در زراعت، به صورت عموم در سطح پایین قرار داشته و کشور برای تأمین ضروریات خویش به واردات وابسته است. با وجود شناخت حقایق فوق‌الذکر آن‌چه تا فعلاً به آن توجه صورت نگرفته است. ضرورت تغییر زراعت عنعنوی (کشت و پرورش با وسایل ساده و ابتدایی) به زراعت میکانیزه و اقتصاد می‌باشد تا از تکنالوژی در تولیدات زراعت کشور استفاده اعظمی صورت گرفته بتواند.

اصطلاحات کلیدی: زراعت عنعنوی؛ زراعت عصری؛ تحقیقات؛ آبیاری؛ تکنالوژی

Mechanisms of Changing Traditional Agriculture to Modern Agriculture

Jr. Teaching Asstt. Sayed Jalil Hashimi

Department of Agricultural Extension and Economy, Faculty of Agriculture, Bamyan University,
Bamyan, Afghanistan
Email: Jalilhashimi802@gmail.com

Abstract

Identifying the mechanisms for changing traditional agriculture to modern agriculture is the first change in agriculture. Because changing traditional agriculture to modern agriculture is one of the important needs of the country. But with the dominance of traditional agriculture, cultivation with simple and basic equipment, lack of irrigation water, farmers' lack of access to credit, providing less research services, promoting the protection of plants and animals, not making extensive use of contemporary breeders' technology in agriculture. It is generally at a low level and the country depends on imports to meet its needs. Despite knowing the above facts, what has not been paid attention to so far. It is necessary to change traditional agriculture (cultivation with simple and basic tools) to mechanized agriculture and economy so that technology can be used in the country's agriculture products.

Keywords: Traditional agriculture; Modern agriculture; Research; Agriculture land; Irrigation water and technology

مقدمه

پیشرفت زراعت، یک امر حیاتی برای کشور ماست که بر تمام جنبه های زندگی مردم ما اعم از اقتصادی، سیاسی و حتا امنیتی تأثیر خواهد گذاشت. به همین لحاظ، در ساختار اقتصادی جامعه افغانی، زراعت از اهمیت خاصی برخوردار است. کارشناسان زراعت را مهم ترین بخش در اقتصاد افغانستان می دانند و اعتقاد دارند که تنها به توسعه دادن زراعت می توان به رشد و توسعه اقتصادی مطلوب در افغانستان دست یافت. بناء تغییر زراعت عنعنوی به زراعت عصری یکی از نیازهای مبرم کشور محسوب می شود (۱۰).

اما بنا بر بارز بودن زراعت عنعنوی، کمبود آب آبیاری، عدم دسترسی به کریدت، ناکافی بودن خدمات تحقیق، ترویج حفاظه صحت حیوانی و عدم استفاده ی وسیع از دست آوردهای علم و تخنیک معاصر مولدیت زراعت به صورت عموم در سطح پایین قرار داشته و کشور برای تأمین ضروریات مصرفی خویش به واردات وابسته شده است. در سال های قبل و خصوصاً در چند سال اخیر استعمال جملائی مثل، افغانستان یک مملکت زراعتی است، تخمیناً ۸۵٪ مردم افغانستان از زراعت امرار معیشت می نمایند، اقتصاد افغانستان متکی بر زراعت است، زراعت مهم ترین و بزرگ ترین ثروت ملی و سکنتور تولید کشور است، در بیانات اراکین دولت و متخصصین داخلی و خارجی و مؤسسات امدادی تذکر داده شده است، با وجود شناخت حقایق فوق الذکر آنچه تا حال به آن توجه ناکافی مبذول گردیده است، ضرورت تبدیل موقف زراعت از شکل عنعنوی به اصطلاح بخورنمیر و متکی بر عوامل طبیعی (بارندگی، خشک سالی ها، آفات زراعتی، سیلاب ها) به شکل یک پدیده و معامله تجاری و اقتصادی می باشد تا از تکنالوژی های امروزی در زراعت کشور به طور مؤثر و اقتصادی استفاده اعظمی صورت گرفته بتواند (۱).

مزرعه زراعت عنعنوی

یکی از خصوصیات عمده ی مزارع در کشورهای رو به انکشاف تفاوت آن ها از همدیگراست. از نگاه حاصل خیزی و مولدیت مزارع نه تنها از یک کشور تا کشور دیگر بلکه از یک منطقه به منطقه دیگر در داخل یک کشور از ساحه تا ساحه دیگر و از یک قریه تا قریه دیگر و حتی در بین یک قریه فرق می کند. اختلاف در مزارع باعث اختلاف در عکس العمل دهاقین در برابر نوآوری و تکنالوژی های مناسب می گردد. در کشورهای رو به انکشاف اشکال مختلف مزارع موجود است ولی در بین این مزارع بخور و نمیر یک تعداد خصوصیات مشترک موجود می باشد. در زراعت عنعنوی قسمت عمده عوامل تولید یعنی زمین، قوای بشری و مدیریت از خانواده ی دهاقین فراهم می گردد.

زمین و نیروی کار عوامل اساسی تولید را تشکیل می‌دهند. تولیدات عمده را غله‌جات و نباتات صنعتی تشکیل می‌دهد زیرا غله منبع اساسی غذا و بقای حیات خانواده است. مولدیت زمین و نیروی کار در زراعت عنعنوی بسیار ناچیز است، زیرا از عوامل تولید سنتی و روش‌های کشت از وسایل بسیار ساده و ابتدایی استفاده می‌شود. چون حجم سرمایه‌گذاری در زراعت عنعنوی بسیار ناچیز است. بنابراین؛ زمین، وسایل کار عوامل اساسی و مهم تولید را تشکیل می‌دهند (۱).

مشخصات زراعت عنعنوی

- هدف از فعالیت زراعتی رفع نیازمندی‌های خانواده؛
- استفاده از وسایل ساده و ابتدایی؛
- ارتباط ضعیف با مارکیت عوامل تولید و محصولات تولیدی؛
- مازاد ناچیز محصولات قابل فروش؛
- عدم حساسیت در مقابل تغییر عوامل اقتصادی؛
- مدیریت منابع تولیدی به شیوه سنتی و عنعنوی؛
- محافظه‌کاری پیرامون استفاده از تکنالوژی جدید؛
- عدم وابستگی به اطلاعات مارکیتی؛
- عدم انعطاف‌پذیری در تولید و فروش محصولات (۱).

زراعت عصری یا تجارتي

قبل از این‌که روی اصل موضوع بحث کنیم، باید بدانیم که زراعت مدرن از نظر دانشمندان معاصر امروزی چیست؟

زراعت میخانیکی (تک کشت) حدود ۱۰۰ سال استفاده شده است. به جای نیروی انسانی، ابزار میخانیکی (تراکتور، تجهیزات برداشت و غیره) برای کم کردن نیاز پرسنل مورد استفاده قرار می‌گیرد. زراعت تجاری یا مدرن به این معنا است که شما تولید به هدف برآورده شدن نیازهای غذایی یک خانواده نه بلکه برای تمام نیازهای مشتریان مارکیت محصولات زراعتی تولید می‌کنید. بناءً، بادر نظر داشت تعاریف دانشمندان معاصر امروزی در زراعت مدرن هدف ده‌اقلین تولید برای رفع نیازمندی‌های بازار به‌دست آوردن مفاد اعظمی می‌باشد. مولد عمدتاً منابع تولیدی خویش را به شیوه صنعتی تنظیم نموده، دارای پلان تجارتي و در مقابل تغییر عوامل اقتصادی حساس می‌باشند. زیرا در زراعت تجارتي ده‌اقلین از روش‌های جدید و یا میخانیکی استفاده می‌نمایند و سعی می‌کنند تا با مارکیت عوامل تولید و محصولات ارتباط عمیق داشته باشند. چون مولدین زراعت تجارتي با

رقابت قوی تولید مشابه داخلی و خارجی مواجه هستند، کوشش می‌کنند تا مصارف فی واحد تولید به حد اقل برسد و کیفیت تولید بهتر شود. هم‌چنان در زراعت تجارتی موازی به تولید، صنایع زراعتی و معاملات تجارتی رشد کرده و زنجیره‌ی ارزش افزایی محصولات طولانی‌تر می‌شود. محصولات به‌شکل پروسس شده و غیر پروسس شده به مستهلکین می‌رسد و در هر مرحله از فعالیت‌های جدید زمینه‌ی استخدام تعداد بیشتری کارگر مساعد می‌شود. خوش‌بختانه در افغانستان هسته‌های زراعت عصری در بعضی جاها ایجاد شده و بعضی محصولات را مانند میوه‌جات و سبزیجات به مقصد فروش تولید می‌کنند. اما این موضوع عام نیست، هرگاه شاخص‌های زراعت عصری در کشور ما مورد تطبیق قرار گیرد در آن زمان می‌توانیم به داشتن زراعت تجارتی یادآور شویم. دیده می‌شود که زراعت افغانستان هنوز وارد مرحله‌ی تجارتی خویش طوری که ایجاب می‌کند، نشده است (۲، ۳).

مشخصات زراعت عصری یا تجارتی

- هدف فعالیت‌های زراعتی به‌دست آوردن مفاد اعظمی از طریق فروش محصولات در مارکیت؛
- استفاده‌ی وسیع از تکنالوژی و عوامل جدید تولید؛
- ارتباط قوی با مارکیت عوامل تولید و محصولات؛
- حساسیت در مقابل تغییر عوامل اقتصادی؛
- مدیریت منابع تولید به‌شیوه عصری؛
- حاضر به قبول خطر و ضرر؛
- انعطاف‌پذیری در تولید و مارکیت‌تک محصولات؛
- وابستگی کامل به اطلاعات جدید، کافی و به موقع مارکیتی (۱).

تیوری‌های که زراعت را به سوی عصری شدن سوق می‌دهد

تغییر زراعت به‌عنوان بخشی از انکشاف اقتصادی یک کشور تلقی گردیده و اگر بخواهیم به معنای واقعی انجام شود، کار بس دشوار و مشکل است. به قول پروفیسور لوئیس مالاسیس (Lowis Mallassiss) انجام این کار یعنی تغییر زراعت عنعنوی به زراعت عصری در عین حال که ضرورت مبرم است؛ ولی خارج از حد توانایی تعداد از مالکین بزرگ و اقلیت‌های تحصیل کرده و مدیران دولتی و کارمندان اداری و انبوه دهاقین و روستایی‌یان کم‌سواد و یا بی‌سواد می‌باشد. تغییر زراعت در چوکات ملی یک کشور مورد بحث قرار می‌گیرد و به‌عنوان یک بخش اقتصادی مهم نقش حیاتی در انکشاف ملی ایفا می‌نماید. مفاهیم و تعاریف زراعت عصری برخی آن را گذار از زراعت عنعنوی دانسته و بعضی دیگر آن را پروسه‌ی می‌دانند که در طی آن اوضاع اقتصادی و اجتماعی اکثریت دهاقین یک

کشور بهبود میابد و اصلاح می‌شود. پروفیسور موشیر (A.mosher) شاید اولین کسی باشد که زراعت عصری را به صورت سیستمی مورد بررسی قرار داده است. او پنج عامل را در تغییر زراعت اساسی و پنج عامل را سرعت بخشنده‌ی زراعت می‌داند (۱۱). عوامل اساسی تغییر زراعت بنا به گفته‌ی وی عبارت اند از:

- بازار جهت فروش محصولات زراعتی؛
 - تکنالوژی که پیوسته در حال تکامل و پیشرفت باشد؛
 - در دسترس بودن نهادها و وسایل مورد نیاز زراعت؛
 - مشوق‌های تولیدی برای دهقانان؛
 - تسهیلات حمل و نقل.
- کارشناسان اقتصادی براین باورند که مشکلات و معضلات قریه جات ناشی از دو مسأله‌ی اساسی است که عبارتند از:

- کمبود امکانات اجتماعی (ضعف و نبود زیرساخت‌ها و زیربناها) و
 - کمبود درآمد (ضعف اقتصادی روستاییان).
- این دوفکتور، لازم و ملزوم یکدیگرند، این دو علت به صورت بسیار نزدیکی با هم ارتباط دارند و کمبود و نقص در یکی، تأثیرات بسیار شگرفی می‌تواند روی علت دیگر داشته باشد. البته در مورد کمبود امکانات اجتماعی، دولت‌های مختلف، برنامه‌های گسترده و پرهزینه‌ی را برای این مشکل انجام داده اند؛ اما بررسی‌ها نشان داده است که این امر به تنهایی نتوانسته کاستی‌های زندگی روستاییان را حل کند و آن‌ها را از فقر برهاند. این همان مسئله‌ی است که هم‌اکنون دولت ما بر آن تأکید دارد. ما نمی‌گوییم این کار بی‌تأثیر است؛ اما می‌گوییم، به تنهایی کارساز نیست و در کنار آن باید کارهای دیگری نیز انجام داد. عامل دوم، یعنی کمبود درآمد، نقش بسیار مهمی را در این بین دارا می‌باشد که اگر فکری برای آن صورت نگیرد، کارهای انجام شده‌ی دیگر بی‌هوده خواهند بود (۱۰).

در حقیقت، کمبود درآمد روستاییان را ناشی از چند مسأله می‌توان دانست:

- افزایش جمعیت روستاییان؛
- بی‌کاری؛
- عدم جذب تجارت برای سرمایه‌گذاری؛
- ضعف فضای کسب و کار.

تمام مواردی که در بالا ذکر شد، مواردی هستند که درکشور ما، مشکلات حاد بوده نه تنها روستاییان بلکه تمام کشور را تشکیل می دهند و تمام جامعه به نحوی گرفتار این مشکلات هستند. راه حل این مشکلات آن است که دولت با استفاده از کارشناسان مجرب و آشنای به امور، راهکارهایی برای انکشاف ایجاد اشتغال در قریه که یکی از راه های عمده در رشد اقتصاد قریه جات است، بیابد. جای یک پالیسی و استراتژی مشخص و مؤثر خالی است و دولت و مسوولین در قدم اول باید این جای خالی را پر کنند. به دنبال آن کار به اساس این پالیسی و استراتژی، سطح خدمات اجتماعی را افزایش دهند، صنایع را به قریه جات بیاورند و مردم را از طریق آموزش با فن آوری روز آشنا سازند. ادغام روش های عنعنوی در حال حاضر قریه جات با فن آوری و تکنولوژی روز دنیا می توان بسیار مؤثر باشد. باید سرمایه ها را با ایجاد شرایط مطلوب برای سرمایه گذاری جذب کرد و در حقیقت به انقلاب بزرگ دست زد که نیازمند تلاش و کار بسیار است و با شعارهای فعلی مسوولین امکان پذیر نیست (۴، ۶).

روش های عملی تغییر زراعت عنعنوی به زراعت عصری

زراعت عصری وابسته به استفاده ی وسیع تکنالوژی می باشد که توسط سکتورهای خصوصی و موسسات عامه؛ انکشاف، اصلاح، تولید و ترویج می گردد. تکنالوژی به صورت عموم به دو قسم است (۱) تکنالوژی مادی (۲) تکنالوژی متکی به دانش.

تکنالوژی مادی معمولاً به شکل محصولات تکنالوژیکی تجسم می کند؛ مانند وسایل کار، ماشین مواد کیمیاوی، تخم های اصلاح شده ی بذری، نسل های اصلاح شده حیوانات و غیره که به نام عوامل جدید تولید یاد می شود.

اما تکنالوژی بر پایه ی دانش شامل مجموع از اطلاعات علمی، دانش تخیلی، مهارت های مسلکی حرفوی و مدیریتی می شود که با استفاده از آن کمیت و کیفیت تولید بلند می رود.

سیستم ترویج عصری به این باور است که این دو نوع تکنالوژی با هم مربوط است و باید هم زمان به جامعه ی دهقانی معرفی شود و کارمندان ترویج ساحوی دهاقین و مالداران را در مورد منابع عرضه و استفاده درست از دانش و تکنالوژی که از طریق مارکیت بدست می آورد آموزش بدهند.

موجودیت زیربناهای اقتصادی که شامل سرک، برق، سیستم آب یاری، تسهیلات مارکیتی، ارتباطات و غیره می باشد.

دسترسی به عوامل جدید تولید از قبیل تخم‌های اصلاح‌شده‌ی بذری، کود کمیای، ادویه‌های ضد آفات و امراض نباتی و حیوانی، ماشین‌آلات زراعتی، معلومات تخنیک و علمی، مهارت‌های جدید، نسل‌های اصلاح‌شده‌ی حیوانات، خوراکه‌های متوازن حیوانی.

موجودیت مؤسسات حمایتی زراعتی که شامل خدمات تحقیق، خدمات ترویج، تعلیم و تربیه، خدمات مال‌داری و وترنری، حفاظه نباتات، جمع‌آوری و انتشارات اطلاعات مارکیتی، مؤسسات مالی و غیره است.

تأمین ارتباط دهاقین با مارکیت که شامل ایجاد کوپراتیف‌ها، تولید محصولات تجارتی، تقویه‌ی زیربناها، تقویه‌ی دسترسی دهاقین به مارکیت عوامل تولید، و اطلاعات مارکیتی و غیره است.

پالیسی، قوانین و مقررات که شامل استراتیژی انکشاف اقتصاد ملی، سیاست اقتصاد زراعتی، سیاست‌های حمایتی، قوانین اجاره‌داری و غیره است (۵، ۷، ۱۱).

سیاست‌های دولت برای تغییر زراعت

مواد عرضه‌شده‌ی محصولات زراعتی در اثر عوامل زیادی دایماً تغییر می‌کند و چون تقاضا برای این محصولات کثش‌ناپذیر است. کم‌ترین تغییر در مقدار عرضه، اثر زیادی بر قیمت آن‌ها می‌گذارد (درخلاف جهت تغییر مقدار عرضه). دهاقین قادر نیستند که قیمت‌ها را تعیین کنند. چون تعداد آن‌ها زیاد است و اتحادیه هم ندارند که بتوانند مقدار عرضه‌ی محصول را به دل‌خواه خود تنظیم کند. در نتیجه، اغلب درآمد آنان پایین است و این وضع سبب دل‌سردی آنان از سرمایه‌گذاری در امر توسعه‌ی زراعتی می‌شود.

دولت به‌منظور تأمین منافع زراعت تولیدکننده از یک طرف ارتقای سطح زندگی و تأمین امنیت غذایی مصرف‌کنندگان محصولات زراعتی از طرفی دیگر، مجبور است از یک سوبه گسترش کیفی و کمی تولیدات زراعتی پرداخته و ازسوی دیگر سعی کند بین تولید و مصرف این محصولات موازنه برقرار سازد.

سیاست‌های که از راه‌های مختلف و در جهت جلوگیری از ضرر و زیان زراعت و مصرف‌کنندگان اتخاذ شود؛ سیاست‌های «موازنه» یا «تنظیم‌کننده‌ی بازار» نامیده می‌شود. تغییر زراعت به سایر اهداف دولت از قبیل افزایش رفاه جامعه، افزایش درآمد دهاقین، ایجاد اشتغال، افزایش صادرات غیرنفتی هم کمک می‌کند.

سیاست‌های دولت در واقع نتیجه‌ی تصمیم‌گیری‌ها در باره‌ی تخصیص منابع بخش عمومی است. سیاست‌های تغییر معمولاً در جهت تنظیم بازار (عرضه و تقاضا) و یا درآمد دهاقین اتخاذ می‌شود و ممکن است به اشکال زیر باشد:

- تنظیم عرضه؛
- تنظیم تقاضا؛
- تعیین قیمت رسمی؛
- پرداخت مستقیم و تضمین حداقل قیمت‌ها؛
- استفاده از هرم واردات و صادرات؛
- ایجاد اشتغال در بخش‌های غیر زراعتی به منظور جذب نیروی کار مازاد تولید زراعتی؛
- تشویق دهاقین به هماهنگی، اتحاد و تشکیل سازمان‌های کمکی (۹، ۱۱).

نتیجه‌گیری

برای نتیجه‌گیری این موضوع فرضیه‌های زیاد موجود است که روی چند فرضیه مهم آن کار کردم. تغییر ذهنیت دهاقین برای پذیرش تکنالوژی‌های زراعتی ایجاد یک سیستم قرضه‌دهی با شرایط مناسب برای دهاقین، توزیع تخم‌های اصلاح شده برای دهاقین، مهم دانستن نقش زنان در تغییر زراعت عنعنوی به زراعت عصری، در نظر گرفتن تسهیلات مارکیتی؛ مانند ذخیره‌ی خانه، سردخانه و پروسس محصولات زراعتی، بناءً، برای دریافت پاسخ این فرضیه‌ها معلومات حاصل نمودم که ضرور می‌دانم یادآور شوم. در سال‌های قبل و خصوصاً در چند سال اخیر استعمال جملاتی مثل: افغانستان یک مملکت زراعتی است، تخمیناً ۸۵٪ مردم افغانستان از زراعت امرار معیشت می‌نمایند، اقتصاد افغانستان متکی بر زراعت است؛ زراعت مهم‌ترین و بزرگ‌ترین ثروت ملی و سکتور تولیدی کشور است. در بیانات اراکین دولت و متخصصین داخلی و خارجی و مؤسسسات امدادی تذکر داده شده است. با وجود شناخت حقایق فوق‌الذکر آنچه تا حال به آن توجه کم‌تر صورت گرفته است، ضرورت تغییر زراعت از شکل عنعنوی متکی بر عوامل طبیعی (بارندگی، خشک‌سالی‌ها، آفات زراعتی، سیلاب‌ها) به شکل یک پدیده و معامله تجاری و اقتصادی می‌باشد تا از تکنالوژی تولید در زراعت کشور استفاده اعظمی و مؤثر صورت بگیرد. افغانستان یک کشور زراعتی است. اکثریت مردمان سرزمین افغانستان از قدیم‌ترین ایام تا امروز به کشت و زراعت سروکار دارند. تقریباً ۱۲٪ مساحت کشور را زمین‌های زراعتی تشکیل می‌دهند. اما متأسفانه حاصلات زراعتی آن، بنابر دلایلی رو به تقلیل نهاده که نه تنها حاصلات آن به مقایسه کشورهای جهان، به خصوص کشورهای همسایه

خیلی کم است؛ بلکه سالانه مقدار زیاد گندم، برنج و غیره مواد خوراکی از کشورهای دیگر وارد می‌گردد. یکی از عوامل کاهش حاصلات در زراعت همانا خشک‌سالی است که متأسفانه تا حال در کشور ما به‌حیث یک پدیده‌ی غیر قابل کنترل قبول شده است. نباید چنان باشد، یعنی تأثیرات خشک‌سالی را می‌توان با تنظیم و استفاده‌ی بهتر منابع آب و آبیاری و به‌کار بردن تکنالوژی مناسب زراعتی تقلیل بخشید که این به‌تکنالوژی عصری و سرمایه‌گذاری کافی ضرورت دارد.

پیشنهادهای

این‌که چطور زراعت پیشرفته و متری داشته باشیم و تمام نیازمندی‌های ملت خویش برآورده بسازیم عوامل و فکتورهای گوناگون وجود دارد که نقش اساسی در به‌وجود آمدن زراعت پیشرفته نقش دارند. در این جا به‌صورت فشرده آن‌ها را نام می‌بریم:

۱. امنیت: موجودیت امنیت البته به معنا واقعی کلمه باعث رشد و انکشاف در همه بخش‌ها به‌خصوص زراعت.

۲. کادر مسلکی: بدون کادرهای مسلکی و فنی در هیچ عرصه به‌خصوص در زراعت نمی‌توان به اهداف دست یافت. پس استخدام کادر مسلکی در زراعت جز عمده‌ی اولیتهای دولت و بخش خصوصی به‌شمار می‌رود و نباید آن را از چشم انداخت.

۳. توسعه و انکشاف زمین‌های زراعتی بکر و بایر: خوش‌بختانه افغانستان دارای منابع ارزشمند و وافر زمین است که تا هنوز به‌صورت یک منبع دست ناخورده باقی مانده، در صورت توزیع و تقسیم عادلانه آن میان مردم کشور بدون در نظر داشت هرنوع منافع قومی و سمتی و غیره این کشور گام‌های متین و استوار به‌سوی خودکفایی برخواهد گذاشت.

۴. آب: آب از سرمایه‌های مهم و فراوان این مرز و بوم است و آینده‌ی این کشور متعلق و مربوط می‌شود به استفاده‌ی درست و منطقی از این منبع سرشار و فراوان، اگر این منبع در خدمت زراعت به‌صورت مفید و اساسی قرار گیرد؛ مردم به رفاه و آرامش کامل خواهند رسید.

۵. بندهای آب‌گردان: متذکر شدیم که وطن‌مان دارای منابع زیاد آب است. در اثر سعی و تلاش صادقانه و دل‌سوزانه‌ی فرزندان رشید آن آب بیشتر ذخیره شده و در آبیاری هزاران هکتار زمین زراعتی قرار خواهد گرفت و حاصل نباتات بی‌سابقه رشد خواهد کرد.

منابع

- (۱) فضل، فضل‌الدین. مواد درسی سمستر چهارم، نشرات تحصیلات عالی افغانستان، ۱۳۹۲، صص ۱۰-۱۴.
- (۲) نعیمی، عبدالنواب. زراعت در افغانستان، نشرات تحصیلات عالی افغانستان، ۱۳۹۳، صص ۲۰-۲۵.
- (۳) گردیزی، نیک محمدجلال. تاریخ چه و سیر انکشاف زراعت در افغانستان، نشرات وزارت زراعت، ۱۳۸۶، صص ۵-۷.
- (۴) فهیم، نوراحمد. ضرورت رشد سکتور زراعت، روزنامه فال، ۱۳۹۵، صص ۳-۵.
- (۵) احمدزی، عبدالله. کرنه، نشرات وزارت زراعت و مال‌داری، ۱۳۹۲، صص ۴-۶.
- (۶) محمد، فیاض. زراعت و مال‌داری در افغانستان، انتشارات کابل، ۱۳۸۸، صص ۱۰-۱۱.
- (۷) کوچکی، عوض. نظام‌های کشاورزی پایدار، نشرات وزارت زراعت و مال‌داری، ۱۳۹۲، صص ۲-۵.
- (۸) زاهد، فضل‌الله. زراعت در افغانستان به شیوه جدید، نشرات وزارت زراعت و مال‌داری، ۱۳۹۱، صص ۶-۱۰.
- (۹) احمدی، ژوبین. فعالیت‌های زراعتی در افغانستان به سیستم عصری، روزنامه دوشنبه، ۱۳۹۷، صص ۸-۱۰.
- (۱۰) حسینی، علی. جایگاه زراعت در اقتصاد افغانستان، نشرات روز، ۱۳۹۲، صص ۶-۷.
- (۱۱) نبی‌زی، محمدفواد. اهمیت زراعت در افغانستان، روزنامه هشت صبح، ۱۳۸۹، صص ۲-۳.